



مسئله ۹: طهارت بول و غائط مرغ خانگی

۱. در مورد «ذرق دجاجة» به سبب برخی روایات، شبهه‌ای در مورد نجاست آنها مطرح شده است.

۲. مرحوم امام درباره این مورد می‌نویسند:

«و أمّا خراء الدجاجة، فلا ينبغي الإشكال في طهارته، بل مع شدة ابتلاء الناس به لو كان نجساً

لصار من الضروري. مع إمكان دعوى ضرورة طهارته. مضافاً إلى العمومات، وخصوص رواية

وهب»^۱

۳. [روایت وهب را خواهیم آورد.]

۴. مرحوم شیخ در خلاف می‌نویسد:

۱. کتاب الطهارة (امام خمینی)، ج ۳، ص ۳۷

«كلما يؤكل لحمه من الطيور و البهائم بوله، و ذرقه، و روثه، طاهر لا ينجس منه الثوب و لا البدن، الا ذرق الدجاج خاصة فإنه نجس.»^۱

۵. مرحوم علامه در مختلف می نویسد:

«ذرق الدجاج الجلال نجس إجماعاً، و فی ذرق غیر الجلال قولان: أحدهما الطهارة، اختاره ابن بابويه فی من لا يحضره الفقيه، و هو اختيار السيد المرتضى فإنه قال فی المسائل الناصرية: كل حيوان يؤكل لحمه فبوله و روثه طاهر، و كذا قال أبو الصلاح، و هو الظاهر من كلام ابن أبي عقيل، و ابن البراج، و اُفتی ابن إدريس بالطهارة أيضا و هو قول سلاّر. و أما الشیخان رحمهما الله فإنهما استثنيا ذرق الدجاج من الحكم بطهارة رجب ما يؤكل لحمه و هو يدل على حکمهما بالتنجیس إلا أن الشیخ رحمه الله ذهب إلى طهارته فی الاستبصار و هو المعتمد.»^۲

۶. حضرت امام می نویسند که ظاهر شیخ در تهذیب و استبصار آن است که با نظر مشهور موافقت کرده است^۳ و چنانکه خواهیم دید شیخ در تهذیب^۴ به صراحت حکم به طهارت ذرق دجاجة می کند.

۷. مرحوم نراقی در صدوقین [شیخ صدوق و پدر بزرگوارش] هم نقل کرده است که آنها هم قائل به نجاست ذرق دجاجة بوده اند.^۵

روایت دال بر طهارت

روایت عامه:

عموماتی که خواندیم، می تواند بر طهارت ذرق دجاجة هم دلالت کند، اگرچه امکان تخصیص آنها وجود دارد.

«و بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ وَهْبِ بْنِ وَهْبٍ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: لَا بَأْسَ بِخُرِّ الدَّجَاجِ وَالْحِمَامِ يُصِيبُ الثَّوْبَ.»^۶

ما می گوئیم:

۱. روایت از طریق شیخ طوسی به محمد بن احمد بن یحیی اشعری است (که ثقة است البته گفته شده است که از ضعفا روایت می کند و صاحب کتاب نوادر الحکمه است البته در خودش طعنه نیست ولی به روایتش باید

۱. الخلاف، ج ۱، ص ۴۸۵

۲. مختلف الشیعة، ج ۱، ص ۴۵۵

۳. کتاب الطهارة (امام خمینی)، ج ۳، ص ۳۷

۴. ج ۱، ص ۲۸۴

۵. مستند الشیعة، ج ۱، ص ۱۴۷؛ المقنع، ص ۱۴

۶. وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۴۱۲، ح ۴۰۱۶

توجه کرد.) و مراد از ابی جعفر، احمد بن محمد بن خالد برقی است که هم او و هم پدر بزرگوارش ثقه هستند.

۲. اما وهب بن وهب (ابوالبختری)، نجاشی او را کذاب دانسته که برای هارون الرشید جعل خبر کرده است^۱، مادرش همسر امام صادق (ع) بوده است. البته نجاشی می نویسد که کتاب او را جماعتی نقل کرده اند^۲. مرحوم شیخ طوسی می نویسد که از قاضی القضاة بغداد بود و از طرف هارون الرشید منصوب شده بود. او ضعیف است و در روایاتی که متفرد است به سخن او عمل نمی شود^۳. و هم ایشان می نویسد^۴، او را عامی مذهب و ضعیف دانسته است. کشی^۵ هم می نویسد، ابو البختری را «من اکذب البریه» می خواند.

ادله نجاست:

یک) «وَعَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ فَارِسٍ قَالَ: كَتَبَ إِلَيْهِ رَجُلٌ يَسْأَلُهُ عَنْ ذَرْقِ الدَّجَاجِ تَجُوزُ الصَّلَاةُ فِيهِ فَكَتَبَ لَا»^۶ ما می گوئیم:

۱. سند روایت از طریق شیخ به محمد بن احمد بن یحیی است که او از محمد بن عیسی عبیدی نقل می کند.
۲. اما «فارس بن حاتم بن ماهویه قزوینی» را نجاشی^۷ بسیار کم حدیث برمی شمارد، و می نویسد که کتاب هایی در رد بر واقفه و درباره عدد ائمه (ع) دارد، ولی مرحوم شیخ طوسی^۸ او را «غالی و ملعون» برمی شمارد. شیخ او را از اصحاب امام هادی (ع) دانسته و کشی^۹ می نویسد که امام هادی (ع) او را لعن کرده است.
۳. حضرت امام درباره سند این روایت می نویسند:

«وَأَمَّا رَوَايَةُ فَارِسٍ قَالَ: كَتَبَ إِلَيْهِ رَجُلٌ يَسْأَلُهُ عَنْ ذَرْقِ الدَّجَاجِ، تَجُوزُ الصَّلَاةُ فِيهِ؟ فَكَتَبَ: «لَا». فَمُرْدُودَةٌ عَلَى رَاوِيهَا الَّذِي هُوَ فَارِسُ بْنُ حَاتِمِ بْنِ مَاهُوِيَةَ الْقَزْوِينِيِّ الْكَذَّابِ اللَّعِينِ، الْمَخْتَلَطُ الْحَدِيثِ وَشَاذُهُ، الْمَقْتُولُ بِيَدِ أَصْحَابِ أَبِي مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِأَمْرِ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَمَا هُوَ الْمُرُوءِيُّ»

۱. رجال، ص ۴۳۰.

۲. همان.

۳. الفهرست، ص ۳۰۳.

۴. ص ۴۸۷.

۵. ج ۱، ص ۳۰۹.

۶. وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۴۱۲، ح ۴۰۱۷.

۷. رجال، ص ۳۱۰.

۸. رجال، ص ۲۹۰.

۹. ص ۵۲۰.



۴. مرحوم حاج آقا رضا همدانی علاوه بر ضعف سند، به این نکته هم توجه می‌دهد که روایت مضمّر و مکاتبه است.^۱

توجه شود که در مورد مکاتبه اولاً احتمال تقیه بیشتر است و ثانیاً کسیکه مکاتبه را می‌بیند، ممکن است مقصود بالافهام نبوده باشد و لذا قرائن بین الاثنینی را نداند.

۵. اما درباره مضمّر بودن روایت: شیخ در تهذیب ابتدا روایت را در جلد ۱ صفحه ۲۶۷ به صورت مضمّر نقل می‌کند (حدیث شماره ۷۸۲) ولی در ادامه در جلد ۱ صفحه ۲۸۴ ذیل روایت ۸۳۱ می‌نویسد: روایت فارس را از «صاحب العسکر» برمی‌شمارد.

نکته مهم آن است که فارس ابتدا وکیل امام هادی (ع) در سامرا بوده است و بعد با یکی دیگر از وکلای حضرت به نام علی بن جعفر هُمّانی درگیر می‌شود و حضرت جانب علی بن جعفر را گرفته و به سبب آنکه فارس در مقابل حکم حضرت مخالفت می‌کند و حتی از ارسال وجوهات به نزد حضرت سر باز می‌زند، او را لعن کرده و به جامعه شیعه این مطلب را اطلاع می‌دهند. فارس از این بعد طرفدار جعفر کذاب برادر کوچکتر امام عسکری (ع) می‌شود و بعد از شهادت امام هادی (ع)، به شدت با امامت امام عسکری (ع) مخالفت کرده و حتی خواهرش سردمدار مخالفت با امام زمان (عج) و دفاع از امامت جعفر بعد از شهادت حضرت عسکری است.^۲

با توجه به آنچه گفتیم، ممکن است مراد از صاحب العسکر امام هادی (ع) باشد و روایت مربوط به زمان سلامت عقیده فارس بوده است و ممکن است مراد امام عسکری (ع) باشد و این روایت را فارس در مقام تخطئه امام عسکری (ع) نقل کرده باشد. چرا که می‌دانیم فارس در مورد علم حضرت عسکری (ع) به احکام شریعت سخنان نادرست می‌گفته است.^۳ ولی در هر حال روایت مضمّر نیست.

۶. مرحوم شیخ طوسی درباره جمع بین روایت فارس و روایت وهب بن وهب،^۳ احتمال را مطرح می‌کند: یا بگوئیم لا تجوز الصلاة حمل بر کراهت نماز در فرض آلودگی به ذرق دجاج است یا بگوئیم مراد مرغ جلال است و یا روایت را حمل بر تقیه کنیم چرا که نجاست ذرق دجاج، نظر اکثر عامه است.^۴

۱. مصباح الفقیه، ج ۷، ص ۲۹

۲. ن ک: فرهنگ جامع فرق اسلامی، ج ۱، ص ۴۵۵

۳. همان، ص ۴۵۶

۴. ن ک: تهذیب، ج ۱، ص ۲۸۴؛ وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۴۱۲



۷. مرحوم آقا رضا همدانی هم روایت فارس را به سبب موافقت با نظر ابوحنیفه قابل قبول نمی‌داند و علاوه بر آن می‌نویسد چون امکان حمل آن بر کراهت وجود دارد، نمی‌توان از آن حکم به نجاست را استفاده کرد.

جمع‌بندی:

با توجه به اینکه:

اولاً: روایت فارس قابل استناد نیست.

ثانیاً: روایت وهب بن وهب به فرموده شیخ در صورتی که راوی متفرد نباشد، قابل اخذ است.

ثالثاً: نجاست ذرق دجاج اگر ثابت بود، با توجه به شیوع آن حکم بسیار مشهود می‌شد (بلکه به فرموده امام «لصار من الضروري»^(۱))

رابعاً: عمومات طهارت خراء و بول مایوکل لحمه، خصوصاً تعلیل روایت عمار بن موسی (که در مورد خراء پرستو وارد شده بود و حضرت آن را به علت مأكول اللحم بودن پاک دانست^(۲)) در میان است.

می‌توان به طهارت بول و عذره مرغ خانگی مطمئن شد.

^۱ ن ک: کتاب الطهارة (امام خمینی)، ج ۳، ص ۳۶

^۲ «الْحَسَنُ بْنُ يُوسُفَ بْنِ الْمُطَهَّرِ الْعَلَامَةِ فِي الْمُخْتَلَفِ نَقْلًا مِنْ كِتَابِ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: خُرَاءُ الْخُطَافِ لَا بَأْسَ بِهِ هُوَ مِمَّا يُؤْكَلُ لَحْمُهُ وَلَكِنْ كُرِهَ أَكْلُهُ لِأَنَّهُ اسْتَجَارَ بَكَ (وَأَوْى إِلَى مَنْزِلِكَ) وَكُلُّ طَيْرٍ يَسْتَجِيرُ بِكَ فَاجِرُهُ.» [وسائل الشيعة، ج ۳، ص ۴۱۱، ح ۴۰۱۳]